

مقایسه آرامش فضا های معماری گذشته و مدرن و جایگاه طراحی صنعتی در آن

بهاره نجاتی

دانشجو طراحی صنعتی دانشگاه الزهرا

Email: bahare.nejati@gmail.com

چکیده:

خانه فضایی ایست که آدمی از دیرباز به طور روزمره از آن تاثیر گرفته و بر آن تاثیر می گذارد. احداث یک خانه پدیده ای فرهنگی محسوب شده و شکل و سازمان فضایی آن به شدت تحت تاثیر فرهنگی است که به آن تعلق دارد. حال آنکه با گذشت زمان و نمایان شدن مسایلی چون ساخت وسازهایی که بی اعتنا به تاریخ و فرهنگ بومی ملت ها است لزوم بازبینی در این زمینه دیده می شود. از اساسی ترین و مهمترین نیازهای انسان، نیاز به آرامش می باشد به خصوص در جامعه پراسترس امروزی این نیاز بیشتر احساس می شود. آرامش وقتی حصول می یابد که روح و جسم انسان در آسایش باشد. یکی از مهمترین فاکتورهایی که دستیابی به این مهم را به راحتی به ارمغان می آورد طراحی داخلی و دکوراسیون می باشد. در یک رویکرد کلی می توان طراحی معماری را طراحی تناسبات و عناصر زیبایی شناسانه، شیئی و انسانی روابط حاکم بر مجموعه مفهوم و فیزیک ساختمان مسکونی انسان با انواع کاربری دانست، در این میان می توان طراحی صنعتی را در تمامی ظروف مطروحه در طراحی معماری ریخت، می توان با ادغام این دو به درک بهتر مفاهیم و در نتیجه طراحی های بهتر رسید. از این رو در مقاله حاضر با روش توصیفی-پژوهشی سعی بر تبیین الگوهای آرامش بخش طراحی معماری داخلی و دکوراسیون استفاده شده در معماری سنتی ایران شده است دارد. لذا با توجه به فرهنگ غنی ایران زمین و همچنین براساس المان های استفاده شده همچون ارسی و حوض آب و ... نیاز به شناخت و بیان عناصر و ویژگی های موجود در طراحی مسکن ایرانی براساس فرهنگ ایرانی احساس می شود، در این میان هدف آن بود تا با شناساندن این موارد به طراحان صنعتی نشان داد، می توان از المان های سنتی که در گذشته مورد استفاده افراد بوده استفاده کرد. نتایج نیز بیانگر آن است که در الگوهای مسکن مدرن علاوه بر جنبه سرپناه بودن خانه، جنبه والای خانه که ایجاد محیطی مطلوب برای زندگی براساس فرهنگ ایرانی است، نیز بایستی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: طراحی داخلی، طراحی سنتی ایران، آرامش در خانه، طراحی صنعتی

مقدمه:

خانه به معنای محل سکونت است و حرم امن افراد به شمار می آید. ابعاد مادی آرامش و آسایش (مثل فقدان سرو صدا و آلودگی صوتی و تنظیم شرایط محیطی)، و آرامش خیال همگی از ویژگی های اصلی مسکن مطلوب به شمار می آیند و نبود آن ها ممکن است آرامش قلبی و روحی انسان را مخدوش نمایند. امروزه که دنیای ماشینی و صنعتی روز به روز در تمامی عرصه های زندگی بشر رخنه کرده، فشار عصبی معنا و مفهوم پیدا می کند، فشار روانی یا "استرس" حالتی درونی ناشی از خواسته های فیزیکی یا موقعیت های اجتماعی است که بالقوه زیان بار، غیرقابل کنترل یا فراتر از استعداد سازگاری فرد است. ارزیابی و کنترل تصاویر ذهنی و برداشت های انسان بدون در نظر گرفتن عوامل تنش زای محیط طبیعی امکان پذیر نیست. صدمات ناشی از تنش و بحران های عصبی در زندگی اجتماعی پیامدهای جسمی، روانی و اجتماعی بسیار زیاد با صرف هزینه های گزاف به وجود آورده است و موجب شده تا پژوهشگران به تدوین برنامه هایی برای بازنگری و بازیابی فرهنگ و تفکر سنتی ایرانی بپردازد تا سلامت و بهداشت روان در جامعه نیز به کیفیتی امیدبخش نزدیک شود (نیلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۶). در این میان معماری و طراحی داخلی و در مرحله بعد طراحی صنعتی که هدف اصلی به وجود آمدن این رشته هنری راحت تر کردن زندگی، برای کمک به انسان ها می باشد، همه با هم در تبیین جایگاه آرامش نقش به سزایی دارند.

روش تحقیق:

با توجه به موضوع مورد بررسی در این مقاله که مقایسه آرامش فضا های معماری گذشته و مدرن و جایگاه طراحی صنعتی در آن می باشد و با توجه به این که مطالعه ای میان رشته ای (معماری و طراحی صنعتی) است، برای تحقیق آن به مباحث هر دو رشته نیاز به مراجعه می باشد. در این تحقیق به توصیف محتوای چگونگی کسب آرامش در معماری سنتی ایران پرداخته و اصول و مؤلفه های آن را مورد بررسی قرار می دهیم، و سپس به بررسی پیوند طراحی صنعتی و طراحی داخلی می پردازیم و در نهایت به بررسی جایگاه طراحی صنعتی در رفع نیازهای انسان امروزی و چگونگی کسب آرامش می پردازیم. در این تحقیق روش توصیفی-پژوهشی مورد استفاده قرار گرفته و از روش کتابخانه ای در گردآوری مطالب و نیز استفاده از پایگاه های مجازی کتابخانه ها جهت جمع آوری تصاویر و مطالب استفاده شده است.

طراحی داخلی چیست؟

طراحی داخلی که به عنوان یک حرفه، یک هنر و یک صنعت در دنیا شناخته شده، بهینه سازی فضاهای داخلی ساختمان ها به منظور انجام فعالیت های روزمره یعنی زندگی و کار است. بخش اعظم عمر در فضاهای داخلی بناها سپری می شود. این فضاها محیطی را ایجاد می کنند که پاسخگوی نیازهای اساسی ما نظیر نیاز به سرپناه، کسب آرامش، استراحت و بسیاری از فعالیت های دیگر ما در آن صورت می گیرد. می توان گفت کیفیت فضای داخلی از یک طرف تأثیر مستقیمی بر نحوه انجام فعالیت های ما در آن دارد و از طرف دیگر، احوال و شخصیت ما را تحت تاثیر قرار می دهند. بر این اساس، هدف طراحی داخلی، بهبود عملکرد فیزیکی و روانی فضا برای راحت سازی زندگی در آن است (برکاتی و سهامی، ۱۳۹۲، ۱۴-۱۵). طراحی داخلی می تواند به ما نشان دهد که در یک فضای کوچک چطور و با چه وسایلی باید زندگی کنیم. از آن جا که طراحی داخلی در ارتباط مستقیم با ویژگی های روحی-روانی انسان قرار دارد، باید برای نیل به یک طرح مطلوب، ویژگی های رفتارهای انسانی در فضاهای داخلی زیستی اعم از عمومی و خصوصی، در طراحی به دقت مورد توجه قرار گیرد. از این رو طراح به هنگام طراحی فضای داخلی با دو مقوله سروکار دارد: کاربرد آن فضا، احساس و تاثیر که می خواهد آن

فضا بر استفاده کننده داشته باشد. طراحی داخلی طیف گوناگونی از عناصر و مولفه‌ها از قبیل فرم، نور، رنگ، بافت، عناصر کارکردی و تزئینی و مبلمان را در بر می‌گیرد. این عناصر ابزارهای کار طراح هستند که همگی باید به طور هماهنگ و متناسب در یک طرح مرتبط و خوشایند قرار گیرند. طراحی داخلی که در حد واسط میان معماری و طراحی قرار می‌گیرد، به همان میزان که شامل جنبه های کاربردی، ساختاری و فنی می‌شود، طراحی تجسمی و جنبه‌های بصری و زیبایی شناسانه را نیز در بر دارد. معماری داخلی نقش عمده ای در کیفیت فضای ساختمان ایفا می‌کند. نحوه چیدمان و تقسیم بندی فضا، جنس و رنگ پوشش سطوح (کف، سقف و دیوارها)، نور پردازی، مبلمان و مجموعه عوامل موثر دیگر تعیین کننده زیبایی و کارآمدی فضاهای داخلی هستند. امروزه تاثیرمعماری داخلی بر آرامش (مجموعه هنجارهای عصبی)، راندمان (در فضاهای اداری)، اثر بخشی (در فضاهای تجاری) بسیار بدیهی و لازم به نظر می‌رسد. از سوی دیگر معماری داخلی به لحاظ معیارهای روانشناسی اهمیت بسیاری دارد. میزان امنیت، صمیمیت، شور و هیجان و آرامش موجود در یک فضا را می‌توان با راهکارهای مناسب تشدید یا تضعیف کرد. باید دانست که هر کدام از انسان‌ها دارای تعلقات ذهنی و روحی خاصی هستند که پاسخگویی به نیازهای آنها در معماری داخلی در اولویت قرار می‌گیرد. به عنوان یک فعالیت انسانی، طراحی داخلی دارای پیشینه‌ای طولانی است اما به عنوان یک تخصص مجزا به عنوان طراح داخلی اخیراً مطرح شده است. بسیاری از متخصصان آغاز آن را مربوط به اوایل قرن بیستم و مطرح شدن دکوراسیون داخلی می‌دانند. در دهه ۱۹۴۰ عناوین طراحی داخلی و طراح داخلی توسط برخی افراد که یک سری خدمات در این زمینه ارائه می‌دادند مطرح شد. بعد از جنگ جهانی دوم ادارات، هتل‌ها، فروشگاه‌ها و مدارس همزمان با رونق اقتصادی توجه زیادی به طراحی داخلی می‌کردند (همان).

مفهوم آرامش:

آرامش به معنای آرامیدن، فراغت راحت، رامش جان می‌باشد (عمید، ۱۳۶۶، ج ۱). آرامش یعنی طمأنینه، تسکین و آسودگی خاطر که در مقابل آن تشویش، نگرانی و اضطراب است. کاپالن^۱ خستگی ناشی از ارتباطات روزمره و کسل کننده را "خستگی روانی" می‌نامد که منجر به کج خلقی، حساسیت، بد اخلاقی، کاهش تحمل، افزایش اشتباه، افزایش ریسک پذیری و موارد دیگر می‌شود (Hartig, Mang, Evans 1996, 383). ونیز فرایندی که قابلیت‌های فرد با نیازهای محیط ادراکی پاسخگو نباشد، تعریف می‌شود اگر موقعیت و یا واقعه‌ای ناخوشایند و ترسناک، آرامش فرد را به چالش بکشد در نتیجه فشار روانی رخ می‌دهد که معمولاً با احساسات منفی همراه است. طبیعت فرد را از تنش و استرس روحی رها کرده و سبب تجدید قوای فرد می‌شود (Hansmann, 2007: 214). این دیدگاه در مقابل پیش زمینه «اولریچ» مبنی بر نظریه کاهش تنش های عصبی و نظریه کاپالن مبنی بر نظریه تجدیدی قوای (Kaplan & Kaplan, 1989) منطقی به نظر می‌رسد. طبق این دیدگاه محیط طبیعی به صورت قیاسی منجر به ایجاد حس تجدید قوا و رهایی از تنش‌های عصبی می‌شود. به طور خلاصه، اولریچ آدریافت بهبود و رهایی از استرس شامل تغییرات مثبت متعددی است که در سیستم فیزیولوژیکی و رفتار فرد رخ می‌دهد، اغلب در این مرحله بر عملکرد فرد هم تأثیر می‌گذارد (Ulrich, 1986: 31). مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که مشاهده مناظر طبیعی (محرک وجه دیداری و بصری) و در معرض عناصر طبیعی قرار گرفتن (محرک حس لامسه، بویایی، شنیداری) می‌تواند عوامل تنش‌زای روانشناختی را کاهش داده و رفاه بیولوژیکی را افزایش دهد (نیلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۶). ارتباط میان عناصر طبیعی و سلامت برای مدت طولانی در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف مورد توجه بوده است. حضور عناصر طبیعی و مصنوع در مناظر به کمک حواس پنجگانه، ادراک محیط را بر انسان ممکن می‌سازد. این عقیده که مشاهده آب، سبزه، شنیدن آوای حاصل از عناصر طبیعی (حرکت آب

¹ Kaplan

² Ulrich

و آوای پرندگان)، استشمام رایحه گیاهان و گل‌ها و محرک‌های چشایی و لامسه، پنج حس را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با تمرکز آن می‌تواند بر کاهش استرس مؤثر باشد (Velarde, 2007:199).

خانه و نقش طراحی داخلی در آرامش آن:

خانه حریم شخصی است و بعد از یک روز کاری پر استرس، طبیعی است که بخواهیم در جایی آرامش بخش باشیم و این اساس دکوراسیون است. طراحی داخلی در فراهم کردن محیطی مناسب برای رشد انسان‌ها و داشتن آرامش ذهنی تأثیر بسزایی دارد. از این رو موضوع طراحی داخلی به هیچ وجه محدود به اقشار مرفه و خانه‌های اعیانی نیست و می‌تواند برای کل جامعه و طبقات کم درآمد هم مفید باشد. همه انسان‌ها در اعماق درون خود خواستار آرامش هستند. این امر برای هر فرد، اگر نه در هیچ جای دیگر، حداقل در خانه باید محقق شود. در خانه است که می‌توان انرژی‌های از دست رفته طی روز را جایگزین کرد. فضای داخلی خانه می‌تواند منبع تمام نشدنی آرامش باشد که ایجاد این فضای داخلی در حیطه کاری یک طراح داخلی است. معماری داخلی نقش عمده‌ای در کیفیت فضای ساختمان ایفا می‌کند. نحوه چیدمان و تقسیم‌بندی فضا، جنس و رنگ پوشش سطح (کف، سقف و دیوارها)، نورپردازی، مبلمان و مجموعه عوامل مؤثر دیگر تعیین کننده زیبایی و کارآمدی فضاهای داخلی هستند.

به اعتقاد لوکوربوزیه^۳: خانه پوششی است که در تطابق با برخی از شرایط، رابطه صحیحی را بین محیط خارج و پدیده‌های زیستی انسان برقرار می‌سازد. در خانه بایستی یک فرد یا یک خانواده زندگی کند. یعنی اینکه بخوابد، راه برود، دراز بکشد، ببیند و فکر کند.

لوکوربوزیه: در معماری کهن ایران، معماری خانه بر پایه اصول و الگوهای ویژه طرح ساخته می‌شده است.

این اصول را چه در خانه‌های توانگران یا اعیانی و اشرافی و چه در خانه مردم عادی همواره بیان می‌کردند.

امروز در عصر جهانی شدن، خانه و بازتاب آن در درفرایند مفهوم شناختی معماری مسکن بازخوردهای زیادی داشته است. تغییر و تحول فرهنگی خانه از مهم‌ترین آنها به شمار می‌رود. از سوی دیگر، خانه اولین فضایی است که آدمی احساس تعلق فضایی را در آن تجربه می‌کند. احداث یک خانه پدیده فرهنگی محسوب شده و شکل و سازمان فضایی آن به شدت تحت تأثیر فرهنگی است که به آن تعلق دارد این مفهوم در دنیای جدید و در عصر تکنولوژی ارتباطات و انقلاب فناوری اطلاعات حضور گسترده رسانه‌های خبری و مجازی، دچار تحولات ساختاری گردیده است (نیکنام اصل و دیگران، ۱۳۹۳، ۲۹۹).

طراحی داخلی در سبک زندگی معماری سنتی ایران:

سبک زندگی عبارت است از واکنش‌های مشترک و مورد قبول و پسند یک جمع که منبع از دانش‌های ارزش یافته در پرتو بینشی خاص بوده و به صورت منش جامعه نهادینه شده باشند. تقلید از ساختمان‌های قدیمی هیچ مبارزه و خطری در بر ندارد. اما همانطور که فلیپ جانسون^۴ خاطر نشان می‌سازد: باید جرات شنا بر خلا جریان را داشت. جودت و همکاران معماری ایرانی از دیرباز به عنوان یک معماری غنی به شمار می‌آمده است، خانه‌های به جای مانده از پیشینیان نیز شاهدهی بر این مدعا می‌باشد. در بررسی معماری سنتی ایران همواره به ایجاد فضاهای پر و خالی با کمک احجام معماری بر می‌خوریم که همگی در راستای تعالی روح انسان می‌باشند زیرا در معماری سنتی ایران با توجه به مذهب حاکم و ارادت خاص معماران به خداوند و خلق خداوند، همه در جهت احترام به انسان تمهیدات بسیاری انجام داده‌اند. مقرنس‌ها و گوشواره‌ها نمونه‌هایی از این احجام هستند که بعد منفی دارند. به طور کلی در

³ Le Corbusier

⁴ Philip Cortelyou Johnson

معماری ایران گچبری‌ها برای پدید آوردن همین فضاهای مثبت و منفی هستند. همچنین بازی با رنگ، استفاده از حوض و حوضخانه، استفاده از ارسی‌ها، آینه کاری‌ها و بهره‌گیری از نقوش و طرح‌های منظم هندسی بخشی از آرایش فضای داخلی بسیاری از مکان‌ها از جمله خانه‌ها را تشکیل می‌دهد که نمونه‌های آن را می‌توان در شهرهایی چون کاشان، اصفهان، شیراز و... فراوان یافت. نکته قابل توجه در تزئینات داخلی بناهای سنتی ایران این است، که تزئینات جزئی از بنا بوده و هیچ‌گاه به صورت بزرگ و عنصری اضافی نبوده است. این میزان توجه به آرایه و تزئینات سبب ارتقای کیفیت فضاهای مورد استفاده بوده است. استفاده از شیشه، آینه، گچ کاری و هنرهای ظریف دیگر در تزیین و آرایه بندی فضا، تمام ملاحظات زیبایی شناسی، اقلیمی و حتی شرعی را نیز شامل می‌شود (برکاتی و سهامی، ۱۳۹۲، ۱۴-۱۵).



(تصویر ۱) - بازی نور بر تزئینات داخلی خانه بروجردی‌ها



(تصویر ۲) - ارسی و گچبری‌های مشبک خانه عباسیان کاشان

فضاهای آرامش بخش در منزل‌های قدیمی :

آرامش و آسودگی، یکی از مهمترین نیازهای فطری انسان در طول تاریخ، و هدف بخش زیادی از تلاش‌های او در زندگی بوده است. از همین رو، معماران نیز به عنوان هنرمندانی که ظرف زندگی انسان را می‌سازند، از قدیم تاکنون سعی در ایجاد فضایی آرامش بخش

داشته اند؛ چه معماران مسلمانی که سکینه و آرامش را از ملزومات و نتایج ایمان و منشاء آنرا قدسی می دانند و چه معماران متجددی که بر مبنای نگاه روانشناسان انسانگرایی همچون: مازلو^۵، نیاز به امنیت و آرامش را بعد از نیازهای فیزیولوژیک، مهمترین خواسته انسان بشمار می آورند. عوامل بسیاری در ایجاد احساس آرامش موثر هستند که بخشی از آن به شرایط آسایش جسمی شخص بازمی گردد. امروزه دستگاه‌های تهویه سرمایشی و گرمایشی وظیفه تنظیم شرایط محیطی را برعهده دارند، کاری که در گذشته بیشتر به شکل طبیعی صورت می گرفت. البته در این میان، از نقش مصالح نیز نباید غافل شد، چراکه فضای ایجاد شده توسط مصالح طبیعی، با احساسی که انسان در کنار مصالحی چون سیمان و آهن دارد بسیار متفاوت است. کارشناسان بهداشت عمومی در این رابطه می گویند: از تأثیر کاهگل در درمان بیماری و نقش کاهگل در تبادل گرما و سرما نباید غافل شد. در معماری جدید، پوشاندن کف ساختمان با سنگ و سرامیک، مانع تخلیه الکتریسته بدن شده و تجمع الکتریسته بر روی سیستم عصبی فشار ایجاد می کند و باعث افسردگی یا پرخاشگری انسان می شود^۶.

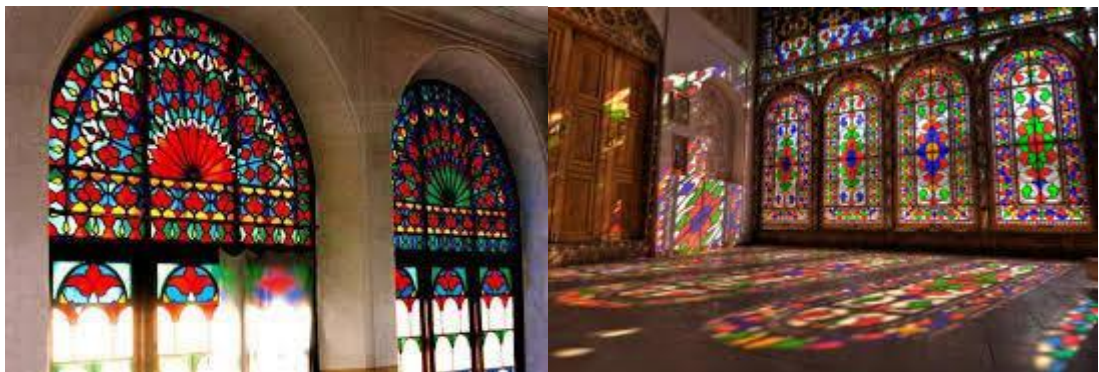
هر معماری بر اساس ارزش‌های مخصوص خود شکل می گیرد و اهداف خاص خود را دنبال می کند، حال اگر بخواهیم ارزش های خود را حفظ کنیم، نمی توانیم با تقلید کورکورانه از معماری متعلق به یک فرهنگ و اقلیم دیگر (معماری غرب)، شرایطی فراهم نماییم که حفظ آن ارزش‌ها با مشکل روبرو شود. علاوه بر ارزش‌های اخلاقی و دینی، عنصر مهم دیگر که در تأمین آرامش نقشی تعیین کننده دارد، حضور و لمس طبیعت در محل زندگی است که می تواند به آرامش اشخاص کمک کند و این باعث شده دو عنصر آب و گیاه در هنر ایرانی، منزلتی والا داشته باشند و از آنها به عنوان مظهر حیات، صفا و مسرت یاد شود؛ البته هرچه عناصر طبیعی در بستر اصلی به کار گرفته شوند، ایجاد ارتباط با آنها بهتر و موثرتر است. عده ای از رنگ شناسان، رنگ سبز را رنگ طبیعت نامیده اند و هستی و حیات را همراه با آن می شناسند و استفاده از آن را در دکوراسیون داخلی، تزریق هستی جریان دار و حیاتی پویا به روح و روان می دانند. همچنین، اسلام مسلمین را به داشتن خانه‌ای تشویق کرده که دارای صفا و شور زندگی باشد و نبض حیات سالم و زلال در آن بتپد و برای داشتن زندگی با نشاط و مملو از روح طبیعت، انسان را به نگهداری موجودات زنده در خانه سفارش کرده است که هرچند در مقیاس گذشته امکان پذیر نیست، اما هنوز انواع پرندگان، ماهی ها و حتی جانوران کوچکی هستند که بدون مزاحمت، فضای خانه را زندگی می بخشند، و نهایتاً اینکه با همه محدودیت‌های زندگی امروز مانند: محروم شدن از حیاط و خانه وسیع، و تغییر مناسبات اجتماعی و اقتصادی که انسان را ناگزیر از زندگی در مجتمع‌های زیستی پرجمعیت و معمولاً پرتنش کرده، هنوز هم می توان با برخی تمهیدات، گونه ای از معماری را طراحی و سازماندهی کرد که بتواند امکان تجربه تاثیرپذیری از فضا به منظور نیل به یک آرامش نسبی ذهنی را فراهم آورد. در اینجاست که طراحان صنعت به کمک طراحان داخلی می آیند تا با هم بتوانند بهترین شرایط را در کسب آرامش در منزل ایجاد کنند. طبق تحقیقات انجام شده به این نتیجه می رسیم در طراحی داخلی سنتی ایران برای کسب آرامش از عناصر و المان‌های خاصی استفاده شده که با کم لطفی‌های انجام شده در سال‌های اخیر به فراموشی سپرده شده اند. حال آنکه امروزه و در جامعه پرمشغله امروزی می توان از آنها در جهت آرامش استفاده کرد و آنها را دوباره به عرصه برگرداند. از آنجا که این مقاله مجال توصیف و بررسی تمام عناصر و المان‌های آرامش بخش معماری سنتی را ندارد از این میان به تفسیر دو مورد می پردازیم:

ارسی ها:

⁵ Maslow

برگرفته از روزنامه کیهان، «تأثیر ساخت و سازهای مدرن بر معماری ایرانی»، تاریخ ۱۳۸۶/۱۰/۶۶

معماری ایرانی گذشته از آن که با ایجاد تقارن، تناسب و تعادل در طراحی‌های داخلی که به لحاظ روحی و خلقی، سازگار با طبیعت انسان است، احساس رضایت و پی آمد آن اخلاق نیکو را به او هدیه می‌کرد، وی را در فضاها و محیط‌های هم‌سنخ با وجود قرار می‌داد و انسان که در محیط و فضاهای انسجام یافته همساز با وجود خویش قرار می‌گرفت، احساس آرامش می‌کرد. در استفاده از نور، گویی حتی از نظریه تموجی نور آگوستین ژان فرزنل^۷ که معتقد بود "نور پس از عبور از سوراخ‌های ریزدر یک پرده، تولید نقش تداخلی می‌کنند که به موج‌های استخر آب می‌ماند." بدون آنکه دسترسی به اطلاعات روزاز طریق کتابخانه و یا رسانه را داشته باشد آگاهی کامل داشت (بوا بن، ۱۳۷۶، ۵۲)، زیرا آن را در طرح بندی‌های شگفت‌انگیز خود به کار برده است. معمار ایرانی دانسته و با آگاهی و آشنایی به روحیات و خلقیات آدمی و احترام گذاردن به اعتقادات آنها که همگی در راستای حفظ و رعایت بهداشت روانی و اخلاقی انسان است، فضاها و مکان‌های داخلی را دور از نگاه سوداگرانه، طراحی می‌کرد به همین دلیل بود که آدمی در بدو ورود و یا قرار گرفتن در محیط و فضاهای داخلی همساز با طبیعت و نهاد خویش، که نظم مطلق را گواهی می‌داد، احساس آرامش و امنیت خاطر می‌کرد (نایبی و دیگران، بی تا، ۶۸). آرسی‌ها معمولاً به دلیل استفاده از شیشه‌های رنگین و طیف ملایم رنگ‌ها مورد توجه بوده است. طبیعت نقش چشمگیری در تنوع رنگ آرسی‌ها داشته است، این گوناگونی در رنگ‌ها جلوه‌های ویژه به آرایه‌های داخل فضای کار شده، می‌داده است. شیشه‌های رنگی موجب می‌شده که فرد داخل اتاق به منظره بیرون (حیاط) اشراف کامل داشته باشد و درعین حال، از بیرون اتاق به سمت داخل چیزی دیده نشود. علاوه بر این، رنگ‌های مختلف شیشه‌ها اکثراً دفع‌کننده حشرات موزی مانند پشه و مگس بودند (بزرگمهری و خدادادی، ۱۳۸۹، ۲۰). آرسی‌ها در هدایت نور مناسب به داخل فضاها نقش مهمی داشتند و در حالت بسته، نور ملایمی را در رنگهای مختلف به داخل اتاق هدایت می‌کردند؛ لذا ارتباط بصری به صورت‌های مختلف با محیط سرسبز حیاط یا باغ و گاهی بیرون ایجاد می‌شد و آرامش را دو چندان می‌کرده است (تصویر ۴ و ۳).



(تصویر ۴ و ۳) - آرسی‌های استفاده شده در معماری سنتی ایران

حوض آب:

آب باعث آرامش اعصاب می‌شود و استرس‌ها را کاهش می‌دهد، همچنین می‌تواند حسگرهای بدن را تحریک کند و حتی حسگرهای جدید نیز به وجود آورد. آب به همراه خاک آتش و هوا عناصر چهارگانه تشکیل دهنده جهان هستی به شمار رفته است. آب از عناصر

⁷Augustin Jean Fresnel

طبیعی به شمار می‌رود که ماهیتی تغییر ناپذیر دارد. هر جا که ظاهر می‌شود، کاربرد آن باید منعکس کننده برداشت طراحان و سازندگان از طبیعت باشد (ثانی و دیگران، ۱۳۹۵، ۲). به طور کلی در شکل‌گیری معماری ایران، چگونگی تماس با آب و بهره‌گیری از معانی معنوی آن، به صورت سنتی معنوی، دیدگاه‌های روحانی و معنوی نیز بر آن مرتبط بوده‌اند. قبل از اسلام معماری به سوی آب می‌شتافت و در کنار آن آرام گرفت. بعد از اسلام با شناخت قوانین فیزیکی رفتار آب و در نقش و تمثیل ارتباط با انسان، آب را درون معماری آوردند (علمالهدی، ۱۳۸۲، ۸۶).

آب از دو جنبه صوتی و بصری برای ایرانیان بسیار مورد توجه بوده است. پیامبر (ص) فرمودند: "چیزی که چشم را قوت می‌دهد: دیدن سبزه، آب جاری و روی خوب است." که برای استفاده از جنبه صوتی آب از فواره و پله کردن مسیر آب استفاده می‌کردند. از دیگر چیزهای ساخته شده برای جلوه دادن آب، آبگردان و دیگری آبشارسازی بوده است. حوضخانه فضای معماری است که به عنوان اقامتگاه تابستانی در باغ یا خانه ساخته می‌شده و در فصل گرما مورد استفاده قرار می‌گرفته است. حوض و آبنا در خانه‌های ایران اهمیت بسزا داشته و دارد. حوض‌ها در بناهای ایران کمتر شکل آزاد دارند و اغلب در طرح‌های مربع، مستطیل، چلیپا، دایره و یا ترکیبی از اشکال هندسی بر اساس راست گوشه و دایره ساخته می‌شود، اشکال تاثیر بسزایی در کیفیت آب و هوا داشته است (نقی زاده، ۱۳۸۲). و به طور غالب در یکی از محورهای اصلی فضای خانه احداث می‌شده است. نقش اصلی آن ایجاد یک فضای واسط بین درون و بیرون از طریق کشاندن عناصر طبیعی به فضای درون برای تامین دمای مناسب می‌باشد. در واقع به منظور خنک کردن هوای خانه در تابستان با استفاده از خاصیت خنک‌کنندگی تبخیر آب ساخته می‌شده است (ثانی و دیگران، ۱۳۹۵، ۵).

از این روی می‌توان پی برد در معماری سنتی ایران برای کسب آرامش از آب استفاده‌های زیادی می‌شده است و استفاده از آب در قالب‌های حوض و حوضخانه بوده است.



(تصویر ۵) - حوض آب در خانه‌های سنتی ایرانی

جایگاه خالی استفاده از سبک زندگی سنتی ایرانی در معماری دکوراسیون امروزی:

سبک زندگی، اصطلاحی است که در بطن خود، مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را می‌پروراند، تأثیر عمیقی در الگوهای رفتاری و گرایش‌های ذهنی افراد جامعه داشته و تأثیر فراوانی در شکل‌گیری فضای سکونت دارد. یکی از مصادیق و جلوه‌های تجلی سبک زندگی، کیفیت مکان‌گزینی و فضای زیست بوده که به تبع آن معماری خانه‌ها را تحت شعاع قرار داده است. بررسی و مطالعات انجام گرفته در رابطه با تحول معماری خانه‌ها نشان از شکل‌گیری معماری جدیدی است که در آن ساختار فرم و سازمان فضایی داخل

و عناصر معماری تحول یافته‌اند. در سطح الگوی کلان، ساختار غالب فرم به تقلید از بناهای اتباع خارجی که اغلب دارای فرم ساده‌ای بوده اند گرایش پیدا کرده و به سمت سادگی و کوچک شدن سوق داده شده اند. از سوی دیگر تحول اصلی در معماری خانه‌ها، در عرصه تحول فضای داخلی صورت گرفته و فضای بسته نسبت به فضای باز دارای اهمیت بیشتری است. شکل‌گیری سرسرای مرکزی در خانه‌ها، به تقلید از معماری خانه‌ها و کنسولگری‌های اتباع خارجی به تدریج در فضای داخلی خانه‌ها حضور یافته و جهت نورگیری، از نورگیر سقفی بهره جسته اند. از طرفی دیگر تمام عناصر آرامش بخش و پیوند دهنده انسان با طبیعت واصل خویش از میان رفته است (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۵، ۳۶).

برای کسب آرامش در خانه های امروزی به صورت کلی می‌توان گفت در قالب رنگ دیوارها، رنگ وسایل مورد استفاده، استفاده از گیاهان، استفاده از المان‌های انرژی بخشی که ریشه در اعتقادات سنتی گذشتگانمان دارد و ... خلاصه می‌شود، در حالی که جای خالی طراحی‌های معماران سنتی ایران که بدون هیچگونه علمی و فقط با در نظر گرفتن وجود عالی انسان و ارادت بسیار به خداوند و خلق او در جهت احترام گذاشتن به خلیقات آدمی به طراحی می‌پرداختند به شدت احساس می‌شود. با توجه کامل به اینکه استفاده از سنت‌ها نیز در روند جهانی مصرف، علیرغم مزیت‌هایی که دارد؛ نمی‌تواند تمامیت خواست فردی بشر امروزی را فراهم سازد و از سوی دیگر، پیشرفت تکنولوژی و پدیده معماری مجازی هم پای رشد رسانه‌های خرد که در حال توسعه می‌باشند آینده‌ای را نشان می‌دهد که معماری نه در آن شکل می‌گیرد و نه در آن بقا می‌یابد، با این حال نباید اجازه داد این روند به سرعت پیشروی کند و تمام هنرها و آموزه های غنی ما را که از گذشتگانمان به ارث برده‌ایم را در دل خود مدفون کند.

پیوند طراحی صنعتی و معماری:

با توجه به روند شکل‌گیری طراحی صنعتی می‌توان گفت از یک نگاه اصل و ریشه طراحی صنعتی در دنیای معماری است. به گفته پروفیسور کاپریلیونه: معماری فرزندی به نام طراحی صنعتی دارد (کاپریلیونه، ۱۳۸۰).

به قول سوتساس^۸، که خود از معماران و طراحان صنعتی موفق ایتالیا است و یکی از بنیان سبک ممفیس می‌باشد، طراحی صنعتی زیرمعماری^۹ است. داوینچی را که به حق بزرگ معمار و طراح صنعتی تاریخ بشر می‌باشد، می‌توان به درستی مذهب پیوستگی و وحدت روح هنرها مخصوصاً معماری و طراحی صنعتی دانست (کلانی، ۱۳۷۸، ۱۲۵). ویلیام موریس معماری را شامل تمام محیط فیزیکی می‌داند که زندگی بشر را احاطه کرده است و انسان به عنوان عضوی متمدن نمی‌تواند از این حیطه خارج شود. او معماری را مجموعه تغییر و تحولات مثبتی می‌داند که هماهنگ با احتیاجات و بشر روی زمین ایجاد شده و تنها صحرا های دست نخورده از آن مستثنا هستند (بنه ولو، ۱۳۵۳، ص ۱۱). همانطور که یک معمار در طی فعالیت خلاقه خود یک هماهنگ کننده تخصص‌ها است، یک طراح صنعت نیز در کار خلاقه‌اش به عنوان هماهنگ کننده و رهبر تیم طراحی، به خلق ترکیبی مناسب برای محصولات می‌پردازد. عناصر انسانی در کار معمار همان قدر اهمیت دارد که در کار طراحان صنعتی مورد توجه است. معماری و طراحی صنعتی هر دو انشعابی از تفکر طراحی هستند و از مسیر مشابهی به حل مسایل می‌پردازند. طراح صنعتی در طراحی تولیدات صنعتی همان نقشی را دارد که معمار در طراحی ساختمان دارد، طراحان صنعتی و معماران هر دو قادر به تاثیرگذاری در حیطه فرهنگ هستند همان گونه که از آن نیز متأثرند (کلانی، ۱۳۷۸، ۱۲۵).

^۸Ettore Sotsass

^۹Micro Architecture

عملکرد طراحی صنعتی در طراحی المان های آرامش بخش در خانه های امروزی :

نیاز به هنر و زیبایی از یک سو و ضرورت کاربردی و اجرایی بودن از سوی دیگر جزوه اصول لاینفک علوم و هنرهای نظیر معماری و طراحی صنعتی است، همچنین توجه به مقوله فرهنگ و روش های مقتضی و مناسب در برخورد با مسائل فرهنگی جزو مبانی اساسی معماری و طراحی صنعتی است که متأسفانه در حال حاضر چندان مورد توجه قرار نمی گیرد و الگوبرداری از نمونه های خارجی در هر دو مورد بسیار کم دیده می شود. در صورتی که با ادغام این دو هنر و با استفاده صحیح از تکنولوژی مدرن میتوان به طرح ها و ایده های نوین در هر دو مقوله دست یافت. به طور کلی هماهنگ کردن فضای معماری و محصولات طراحی صنعتی با یکدیگر با فرهنگ استفاده کننده منجر به روند استفاده ای موفق و لذت بخش می گردد. در این میان نقش طراحان صنعتی بسیار موثر و قابل توجه می باشد. طبق تعریف دکتر اژدری (اژدری، ۱۳۸۱) تعاریف طراحی صنعتی تا سال ۲۰۰۰ میلادی در قالب شش رویکرد قابل دسته بندی است که آخرین آنها رویکرد فرهنگی است. همچنین آقای دکتر مرتضایی (مرتضایی، ۱۳۸۹) نیز طراحی را واسطه ای برای تبادل معنا و برقراری ارتباط بر بسترهای اجتماعی فرهنگی در شکل محصول، خدمات یا فرایند می دانند. از براینده این نظرها می توان نتیجه گرفت که شاخص ترین ویژگی در تعریف های اخیر طراحی صنعتی توجه به بعد نمادین، معنا و به تبع آن فرهنگ است (انزایی و عیوضی، ۱۳۹۵، ۲). با توجه ارتباط بیشتر طراحان صنعت با محصولات و حس برداشت شده از محصول می توان گفت این طراحان صنعتی هستند که با استفاده از آموزه های آکادمیک، روانشناسی، انسان شناسی و توجه و استفاده از تجارب گذشتگان خود می توانند بهترین محصولات را با در نظر گرفتن نیازهای روز انسان مدرن امروزی طراحی کنند. همچنین یک طراح صنعت است که می تواند با طراحی های مناسب در استفاده بهینه از فضا، انرژی و عملکردها، نقش موثری ایفا نماید که در معماری قابل استفاده باشد. در صورت توجه به این موارد طراحان صنعت می توانند راه حل های هنرمندانه و مناسبی ارائه دهند تا بهترین نتیجه ها به دست آید.

نتیجه گیری:

جوامع تاریخی چون جامعه ایرانی، با قدمت بسیار خود، کهن الگوهای فرهنگی بسیاری را تولید کرده و از نسلی به نسل بعدی بسیاری از پدیده های به امانت گذاشته اند. از جمله این الگوها الگویی سه قسمتی برای شکل دهی به ساختار محتوایی و شکلی معیاری برای ارزش گذاری و ارزشی، معماری و کالبدی است که واجد امکان رتبه بندی و وزن دهی اند. این وزن دهی خود بعداً وزن دهی به عوامل و عناصر مرتبط با خود بوده اند. از آنجا که نظام ارزشی در هر جامعه ای به طور عمده وجه تمایز بین خوب در مقابل بد را مشخص می کند. این الگوها را می توان از اثرگذارترین انواع خود از لحاظ قدمت و نفوذ دانست. انگاره ها و الگوهای کهن یاد شده هم در ابعاد نرم افزاری تعیین کننده بوده و هم در ابعاد سخت افزاری. به همین علت ماندگاری و پایداری بسیاری از خود نشان داده و از ورای قرون و اعصار، خود را به جامعه امروز ما رسانده و تحمیل کرده است. بنابراین باید آن را به عنوان یک انگاره بنیادین پایداری کهن الگو بپذیریم و سرلوحه آن بخش از طراحی های محیطی قرار دهیم که انتظار می رود از هویت محیط در این انسان ایرانی نشانی داشته باشند. از سوی دیگر، در این عرصه، پیوند و ارتباط متقابل و تعیین کننده زبان مشهود می شود. به نحوی که باید پذیرفت که زبان باید از الگوهای زیست محیطی حمایت کرده و محیط و اجزاء پدیده کاملاً آن نیز در زبان انعکاس پیدا کنند. راز پایداری فرهنگی در آینده ریشه در این شکل بندی دارد. البته اگر قرار باشد فرهنگ بومی باقی بماند (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۶). در ایران با توجه به قدمت و پیشینه چندین هزار ساله ای که با خود یدک می کشد شاهد هنرهای مجذوب کننده ای هستیم که کم لطفی و کم توجهی به آنها جز صدمه به خود ما آثار زیان بار دیگری ندارد. در محیط پیرامون هریک از ما ایرانیان به قطع ابنیه و اشیاهای مختلفی وجود دارد که با دقت نظر در هریک از آنها می توان آموزه های بزرگی برای ادامه زندگی به دست آورد و با دقت نظر در هریک از آنها برای هر انسانی سوال پیش می آید که چگونه معماران و هنرمندان آن روزگار بدون هیچ رسانه و آموخته آکادمیک به چنین درک و علمی از انسان و نیازهای او از جمله آرامش و آسایش رسیده اند و چنین در رفع آنها موفق بوده اند که هنوز انسان مدرن امروزی با وجود علم و درک و فهم بیشتر به آن دست نیافته است و برای رفع این نیاز خود باید به گذشتگانش مراجعه و از آنها درس بگیرد. حال آنکه باید

توجه داشت امروزه با وجود غالب شدن فرهنگ غرب بر فرهنگ کهن ما این هنرها، المان‌ها و عناصر آرامش بخش موجود در طراحی داخلی معماری سنتی ایران رو به فراموشی گذاشته و دیگر طراحان در کارهای خود از این فرهنگ غنی که تماما در جهت کسب آرامش روان انسانی و یکپارچه در جهت احترام به آدمی می باشد استفاده نمی کنند و به جای آن از فرهنگ نو ظهور غرب پیروی می کنند که خود هنوز برای پاسخ به نیاز انسان به آرامش جوابی قطعی ندارد. حال آنکه طراحان صنعتی در این میان می توانند از فرم، رنگ، المان‌ها، نقش‌ها و... موجود در فرهنگ گذشته معماری ایرانی استفاده کنند تا با نزدیکتر شدن و بازشناسایی سنت‌های موجود در سبک زندگی گذشتگان خود به طراحی‌های بهتر دست پیدا کنند. برای مثال طبق پژوهش‌های انجام شده در مورد ارسی‌ها و حوض آب استفاده شده در معماری گذشته اگر طراحان امروزی برای دکوراسیون داخلی خانه‌های مدرن از این المان‌ها استفاده کنند علاوه بر زیبایی ساختمان می توانند از استرس‌های ناشی از ارتباطات روزمره افراد به کمک انرژی‌های حاصله از این المان‌ها بکاهند و فضایی آرامش بخش را برای خانه به ارمغان بیاورند، تا خانه را ماوا آسایش و آرامش انسان قرار دهد. همچنین که اسلام نیز انسان را به استفاده از نور و طبیعت در منزل خویش برای دفع انرژی‌های منفی دعوت کرده است. بر همین اساس معماری سنتی و طراحی صنعتی همانگونه که هدف مقاله پیش رو نیز بود، می‌توانند راهگشای مسیره‌های جدیدی در طراحی‌های نوین برای کسب آرامش و آسایش انسان مدرن امروزی باشد و همچنین انسان را به ریشه‌های خود نزدیک تر کنند.

منابع:

- ابراهیمی، غلام رضا؛ سلطان زاده، حسین؛ کرامتی، غزال، (۱۳۶۶)، «بازتاب فرهنگ غرب در تحول سبک زندگی و معماری خانه‌های اواخر قاجار شهر همدان»، فصل نامه باغ نظر، شماره ۴۷، ۳۱-۳۶.
- ازدري، عليرضا (۱۳۸۱)، چگونگی تبیین جایگاه طراحی صنعتی در فرآیند توسعه فرهنگی، مطالعات طراحی (مجموعه مقالات طراحی از ۱۳۷۰-۱۳۹۰)، تهران: فرهنگسرای میردشتی - ۷۴۵ ۷۲۱.
- انزایی، نعیمه؛ عیوضی، محمدرضا (۱۳۹۵)، «جستاری بر پیوند طراحی صنعتی و معماری»، در اولین کنفرانس بین المللی هنر، معماری و کاربردها، تهران، صص ۲-۷.
- برکاتی، میلاد و سمانه سهامی (۱۳۹۲)، طراحی داخلی واحد‌های مسکونی از طراحی داخلی تا دکوراسیون، مشهد: نشر نگارستان هنر.
- بزرگمهری، زهره و آناهیتا خدادادی (۱۳۸۹)، آمودهای ایرانی (شناخت، آسیب شناسی و مرمت)، تهران: سروش دانش.
- بنه ولو، لئوناردو (۱۳۵۳)، تاریخ معماری مدرن، مترجم: سیروس باور، تهران: دانشگاه تهران.
- بوا بن، زیبایی نور، ترجمه: پرویز قوامی، انتشارات سروش، ۱۳۷۶. صفحات، ۱۵-۱۱۰.
- ثانی، حسن؛ سیفی، فرزاد؛ فراهانی، مریم؛ اصل گوگانی، نازلی؛ علیزاده افشار، فرهاد، (۱۳۹۵)، «بررسی نقش حوض در خانه‌های سنتی ایران»، در چهارمین کنگره بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران، صص ۱-۵.
- زارعی، محمد ابراهیم (۱۳۹۲)، «سنندج شهر ارسی، بررسی روند شکل گیری و گسترش هنر ارسی سازی بر اساس نمونه‌های موجود»، دوفصل نامه مطالعات معماری ایران، شماره ۴، پاییز و زمستان، صص ۱۱۱-۱۱۵.
- علمالهدی، هدی (۱۳۸۲)، «آبدرمعماری ایرانی»، ماهنامه کتبا، بهمن، صص ۸۴-۹۰.

عمید، حسن (۱۳۶۶)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر.

کاپریلیونه (آبان ۱۳۸۰)، برداشتی از سخنرانی پروفسور کاپریلیونه استاد مدرسه تخصصی طراحی صنعتی ناپل ایتالیا در خانه هنرمندان، تهران.

کلانی، علی (۱۳۷۸)، «وجه مشترک معماری و طراحی صنعتی»، فصلنامه دستاورد، شماره ۴ و ۵، صص ۱۲۰-۱۲۶.

مرتضایی، سید رضا (۱۳۸۹)، بیان‌هایی پیرامون شناخت تعامل فرهنگ و طراحی محصول، نشریه هنرهای زیبا (نسخه دیجیتال)، ۴۳.

نایی، بتول؛ کاتب، فاطمه؛ مظاهری، مهرانگیز؛ بیرشک، بهروز، (بی تا)، «تاثیر نور فضاهای داخلی بر کیفیت زندگی و رفتارهای اخلاقی انسان»، فصل نامه اخلاق در علوم و فناوری، شماره های ۳، ۴ و ۸۶، صص ۶۸-۶۹.

نقی زاده، محمد (۱۳۸۲)، «مشخصه های آب در فرهنگ ایرانی و تاثیر آن بر شکل گیری فضای زیست»، مجله محیط شناسی، شماره ۳۲.

نیک نام اصل، آذین؛ زرقانی، محمد؛ فرشی حقی، زهره، (۱۳۹۳، پاییز)، «تحلیل نشانه شناختی از فرهنگ معماری خانه در عصر جهانی شدن با تاکید بر معماری پساساختارگرایی: از خانه تا ناخانه»، فصل نامه مدیریت شهری، شماره ۳۶، صص ۲۹۹-۳۰۴.

نیلی، رعنا؛ نیلی، ریحانه؛ سلطان زاده حسین، (۱۳۹۱، زمستان)، «چگونگی بازتاب شاخصه های مناظر شفا بخش در الگوی مناظر باغ ایرانی»، فصل نامه باغ نظر، شماره ۲۳، صص ۶۶-۷۲.

Hansmann, R., Hug, S. & Seeland, K. (2007). Restoration and stress relief through physical activities in forests and parks. *Journal of Urban Forestry & Urban greening*, (6): 213-225.

Hartig, T., Mang, M. & Evans, G. (1991). Restorative effects of natural environment experiences. *Journal of Environ*, (23): 3-26.

Kaplan, R., Kaplan, S. (1989). *The Experience of Nature: A Psychological Perspective*. New York : Cambridge University Press.

Velarde, M., Fry, G. & Tveit, M. (2007). Health effects of viewing landscapes – Landscape types in environmental psychology. *Journal of Urban Forestry & Urban greening*, (6): 199-212.